



مقام معظم رهبری:

جبران خسارات سیل را از محل های موجود سریعاً آغاز کنید

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری در پاسخ به درخواست مجوز رئیس جمهور برای برداشت از صندوق توسعه ملی به منظور تامین بخشی از هزینه های ناشی از خسارات سیل های اخیر، جدیت دستگاه های مسئول...

صفحه ۳

سه شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ • ۱۰ شعبان ۱۴۴۰ • ۱۶ آوریل ۲۰۱۹



از سوی سردار شریف صورت گرفت تشریح اقدامات سپاه در مناطق سیل زده

سپاه نیوز: سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه در گفت و گو با سپاه نیوز به تشریح اقدامات و فعالیت های سپاه و بسیج در فرایند امداد و کمک رسانی به هموطنان سیل زده پرداخت. سردار رمضان شریف با اشاره به ابلاغ فرمانده کل سپاه...

صفحه ۶

سال شانزدهم • شماره ۳۴۰۴ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

تجربه غرب در مدیریت سیل

احمد عظیمی بلوریان • استاد پیشین مرلند



سیل در کره زمین پدیده ای شناخته شده است و در سراسر جهان روی می دهد؛ اما این رویداد نه روی زمین یکسان است و نه شدت و تاریخ وقوع آن را می توان پیش بینی کرد. کشورها و تیره های انسانی متمدن در چندین هزار سال گذشته، ضمن پذیرش واقعیت حرکت مداوم اما غیرکنواخت آب های سطحی و زیرزمینی و یادگرفتن مقابله با طغیان های فصلی آب، آموخته اند چگونه حرکت آب را روی زیر زمین مدیریت کنند. ایران در این زمینه تجربیات ارزنده ای دارد و ابداع و به کارگیری قنات در آن به ثبت جهانی رسیده است. هر کشور دیگری نیز بسته به میزان بارندگی در آن یا موقعیت سرزمین های آن در ارتباط با دریاها، رودخانه ها، نزدیکی و دوری به قطب های شمال و جنوب، پیشینه آتش نشانی، درجه رطوبت یا خشکی، تجربه خود را از سیل دارد. مردم و دولت هر کشور، با سیل به میزان متعارف و سنتی آشنا هستند و در بیشتر موارد روی دادن سیل، آمادگی مقابله با آن را دارند. آنچه دردسرساز است، وقوع سیل های بزرگ و خاتمان براندازی است که هم مردم و هم دولت ها را غافلگیر می کند. این رویداد هم اکنون در ایران و برخی از کشورهای همسایه ما به شدیدترین وجه دیده می شود؛ به گونه ای که همه را گیج و مهوت کرده است. سیل هایی مانند آنچه امروز در ایران و جهان دیده می شود، با شدت کمتری تقریباً هر ۵۰، ۶۰ سال در کشور روی داده است. به دلیل طولانی بودن دوره های اشاره شده، جابه جایی دولت ها، بی توجهی و نداشتن دانش و تجربه مبارزه، سیل موجب خسارات بزرگی به نظام سکونت و اقتصادی شهری و روستایی شده و در کنار آن، به دلیل محدودبودن امکانات دولتی و نداشتن طرح مشخصی برای پیشگیری از سیل های بزرگ، بروز چنین رویدادهایی نه تنها مردم را بی خانمان و دریده کرده، بلکه دولت ها را نیز گیج و دستپاچه می کند. در غرب نیز چنین حالتی -اما با شدتی کمتر- روی می دهد؛ زیرا مدیریت منابع طبیعی در کشورهای صنعتی غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، منسجم تر از ایران است. آمریکا علاوه بر اینکه از شرق و غرب با اقیانوس ها احاطه شده است، رودخانه های بسیار بزرگی مانند می سی سی پی، تنسی و کلرادو را در بیشتر ایالات خود دارد. این رودخانه ها بر حسب طبیعت خود طغیان می کنند اما دولت های ایالتی هم جوار آنها، این طغیان ها را با تنظیم برنامه های لازم مدیریت می کنند. مدیریت سیل و جلوگیری از سیل دو چیز متفاوت اند. آب سیل را باید به بهترین وجه ممکن و با توجه به مقیاس متصور از شدت آن هدایت کرد. به عبارت دیگر، مدیریت سیل امری دائمی و پایدار بوده و از چند شاخه عمده فعالیت تشکیل شده است. نخستین ویژگی آن تداوم پایش رودخانه ها و سواحل است. این نیست که پرونده یک سیل را بایگانی کنند و به کارهای دیگر بپردازند تا در سیل بعدی و پس از چند بار خمیازه کشیدن، آن پرونده را از فایل یا قفسه اتاق در مدیریت مربوطه دوروده و بازخوانی کنند. بخش فوریت مبارزه با خطرات و ضایعات سیل، مانند ایستگاه های آتش نشانی کار می کنند. ایستگاه آتش نشانی بیش از وقوع آتش سوزی بر این فرض ساخته و آماده خدمت می شود که آتش سوزی امری اجتناب ناپذیر است، ایستگاه ها زمانی می سازند که هنوز آتشی در ساختمانی فوران نکرده است، اما فرض بر این است که آتش سوزی رخ خواهد داد.

ادامه در صفحه ۴

برادر گرامی جناب آقای سیف الله یزدانی
مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می کنم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.
مهدی رحمانیان

برادر گرامی جناب آقای سیف الله یزدانی
درگذشت پدر ارجمندتان مرحوم علی یزدانی موجب تأثر و تألم شدید دوستان و همراهان جنابعالی شد. بدینوسیله این ضایعه بزرگ را به شما و سایر بازماندگان تسلیت گفته برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسئلت می کنیم.
رجوع به صفحه ۶



عصبانیت روحانی از یک بی خبری

حسینعلی امیری: رئیس جمهوری از پرداخت نشدن خسارت سیل ۹۵ اطلاع نداشت

صفحه ۶

یادداشت

این غم بزرگ را کاری بزرگ باید

مدیریت کرد. به قول فرزانه بانوی کم مثل و مشابه، توران میرهادی، این غم بزرگ را به کاری بزرگ تبدیل کنیم. به نظر محقق این آرزو شرطی دارد:

۱- عوامل تدبیر این حادثه فقط در دولت نیست (هرچند دولت و قوه اجرایی در مدیریت این بحران شایسته عمل نکرد)؛ به عنوان مثال فردی از مسئولان در بازدید از یکی از مناطق سیل زده گفته است: «عدم لایروبی رودخانه ها علت اصلی سیل بوده است» و ظاهراً نخواستہ یا نمی دانسته نابودی ارادی و غیرارادی پوشش های جنگلی و گیاهی از عوامل مهم تر این مهم بوده اند. خشک سالی چندین ساله قابل فهم است، اما باید ساخت وسازهای غیرقانونی و سودجویانه حاشیه دریاها و رودخانه ها را به روی خود بیاوریم.

۲- همچنین که در جنگ تحمیلی همه در تامین منابع آن مشارکت داشتند، در تامین منابع جبران سیل (که همه آن بر دوش نظام سیاسی است)، همه نهادها باید مشارکت کنند. تخصیص بودجه ناچیز برای جبران این غم بزرگ کافی نیست و ضمناً همگی به امکانات محدود دولت رسمی آگاهیم.

۳- برای تحقق شرط مذکور همه نهادهای اقتصادی باید فارغ از هرگونه تبلیغات و رفتارهای عوامزده بسیج شوند.



عبدالله نامری
استاد بازنشسته دانشگاه

بیش از ۲۰ روز است که بخش وسیعی از کشورمان زیر فشار سنگین سیل سهمگین گرفتار شده است و مردم این مناطق به مصیبتی بزرگ رسیده اند؛ مصیبتی که رفع خسارت هایش ماه ها و سال ها فرصت می طلبد، آن هم به شرطی که اولویت همه مسئولان باشد. مناطق آسیب دیده سیل (به جز گلستان) هشت سال گرفتار جنگ نامتوازن تحمیلی بوده اند؛ به ویژه استان های کرمانشاه، ایلام، لرستان و خوزستان و حتی فارس. هنوز نمی دانم آیا می توان برای مردم سیل زده این مناطق یک همسانی با دوره جنگ زدگی تعریف کرد یا نه؟ ولی می دانم هر دو واقعه غم بزرگی است برای این مردم.

همچنین با حفظ سهم تقدیر بر این باورم که تدبیر در هر دو حادثه سهم بیشتری دارد. قصدم سخن درباره جنگ تحمیلی نیست، بلکه می خواهم تصویری واقع بینانه از ضرورت های «پاساسیل» ارائه دهم و با برداشت از تجربه مدیریتی پسا جنگ که البته تدبیر کاملاً مطلوبی نبود و بهتر از آنچه شد، می توانست باشد، این مصیبت دوم تاریخ نیم قرن ایران را بهتر بتوان

یادداشت

خروج خلبانان بعد از فرار مغزها؟

یک «فرار هماهنگ نشده جمعی» شبیه است. فرار ناشی از ناراضیاتی این خلبانان که در سال های دور با رفتن به یک شرکت هواپیمایی داخلی دیگر التیام می یافت، عموماً از سر استیصال بوده و از آنجایی که همه جای آسمان ایران یک رنگ دارد، در سال های اخیر به یک شرکت هواپیمایی خارجی ختم شده و در نبود امکان بروز سایر نمادهای اعتراض جهانی، به کنشی برای بیان اعتراض و اعلام ناراضیاتی آنها تبدیل شده است؛ کنشی که شاید بزرگ ترین نمود آن که اوج ناراضیاتی این قشر را نشان می دهد، درخواست مهاجرت رسمی بیش از صد نفر در سه ماه پایانی سال ۹۷ و تعداد درخور توجهی از ناوگان جدیدالورود هواپیمایی ATR شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی، از جمله سر فیلت (ناوگان) و جانشین آن که از بهترین خلبانان ایران بودند، است. چرا ناراضیاتی خلبانان ایرانی که نمود شایان توجهی نیز در سطح جامعه ندارد، به مهاجرت یا فرار منتهی می شود، درحالی که ناراضیاتی های خلبانان شرکت های بزرگ کشورهای توسعه یافته با اینکه کنش های صنعتی بزرگی را در کشورشان ایجاد می کنند و هزینه های گزافی را بر آنها تحمیل می کنند، حتی به مهاجرت هم ختم نمی شود، چه اینکه بخواهند فرار کنند؟ از این کنش ها می توان به اعتراض گسترده خلبانان شرکت های هواپیمایی لوفت هانزا، ایرفرانس و رایان ایر در سال گذشته میلادی و لغو چندروزه پروازهایشان اشاره کرد. در ایران، در نبود سندیهای صنفی قدرتمند و بی توجهی به حقوق شهروندی در قوانین و مقررات و رویه های اجرایی، نمود اجتماعی درخور توجهی مانند شرکت های هواپیمایی خارجی نداشته و هزینه ای را از این بابت به شرکت های هواپیمایی تحمیل نمی کند. این در حالی است که کمترین هزینه ای که یک خلبان ناراضی می تواند تحمیل کند، هزینه های پنهانی است که با کوچک ترین تصمیم او در هدایت هواپما روی باند فرودگاه یا حتی در حین پرواز با افزایش مصرف سوخت، وقوع تاخیرات پروازی، افزایش استهلاک قطعات مصرفی هواپما و مانند آنها رخ می دهد. همچنین بدترین واکنش قابل تصور ناراضیاتی خلبانان، تحت تأثیر قرار گرفتن شرایط ایمن پرواز از طریق رعایت نکردن اصول مدیریت منابع ختم پروازی (CRM) خواهد بود. نکته نماند اگر فرایند اصلی پرواز از سوی خلبانان ناراضی و پرسنل مراقبت پروازی که ناراضیاتی شان مسبوق به سابقه بوده و سال هاست که هیچ کس به داد آنها نرسیده و مانند خلبانان امکان مهاجرت هم ندارند، در یک قاب ببینیم، تهدید ایمنی پروازها بیشتر به چشم می آید و از آینده این صنعت بیشتر نگران می شویم.



محمدعلی حاجتی
میز هواپیمایی کشوری

یکی از نشانه های ناهنجاری های اجتماعی و دغدغه کشورها، مهاجرت نخبگان یا نیروی انسانی ارزشمندی است که کشور برای تربیت آنها، متحمل هزینه های زیادی شده. تاکنون بیشتر مباحث مطرح شده در ایران، درباره مهاجرت نخبگان علمی دانشگاهی بوده است و به دلیل وجود نیروی کار مازاد، کمتر به خروج نیروی کار حرفه ای پرداخته شده و حتی در این موارد از عنوان اعزام نیروی کار به خارج از کشور یاد می شود. مهاجرت خلبانان ایرانی اگرچه در زمره مهاجرت نیروی کار قرار می گیرد، اما به دلیل تعداد زیاد آن در سال گذشته و موج درخواست های مهاجرت این صنف، بازتاب گسترده ای داشته و در محافل تخصصی و بعضاً سیاسی، به عنوان بحران پیش روی صنعت هوایی ایران قلمداد شده است. این مهاجرت ها، شرکت های هواپیمایی را نسبت به آینده نگران کرده و با اعلام وضعیت بحرانی، سعی کرده اند به هر شیوه ممکن از خروج خلبانان مانع شوند. اخذ تعهدات سنگین و بلندمدت از خلبانانی که در شرف استخدام یا در آستانه ارتقا بودند، ممنوع الخروجی برخی از خلبانانی که تعهد داشتند، صادر نکردن تأییدیه یک طرفه گواهینامه خلبانی از سوی سازمان هواپیمایی کشوری و در کمال ناباوری تعلیق گواهینامه برخی از خلبانان ایرانی که در شرکت های هواپیمایی خارجی پرواز می کردند، بخشی از این اقدامات است. مهاجرت برای بهبود وضعیت مادی یا معنوی، امری پذیرفته شده است و چه بسا در همه جای دنیا چنین مهاجرت هایی وجود داشته باشد؛ با این حال، فرار، مهاجرتی است که به دلیل ناراضیاتی شدید از وضعیت موجود و بیشتر متضرر آتی و بدون اطلاع قبلی انجام می شود. تقریباً همه مهاجرت های خلبانان ایرانی با درخواست فردی و ارتباط مستقیم آنها با شرکت های هواپیمایی خارجی بوده و اعزامی از سوی شرکت یا نهاد رسمی داخلی صورت نگرفته است. این مهاجرت ها که عموماً با ناراضیاتی و گاهی بدون اطلاع قبلی بوده، حتی با وجود داشتن تعهد به شرکت ایرانی نیز صورت می گیرد. از آنجایی که خلبانان ایرانی مکانی برای احقاق حقوق خود و بیان مشکلات و ناراضیاتی شان ندارند، پس از پیگیری های اداری معمول و حاصل نشدن نتیجه، یا به شرایط موجود خو می کنند یا رخت مهاجرت بر تن می کنند. چنین مهاجرت هایی نه تنها اعزام نیروی کار نیست، بلکه به

ادامه در صفحه ۶

تپرها

بگویند پول انتخابات از کجای می آید

صفحه ۲

واکنش شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران به گزارش «شرق»
درخواست ضرر و زیان ۱۳ میلیارد تومان هزینه داشت

صفحه ۴

کمبود زینک بلای جان مطبوعات

صفحه ۵



ضرغامی و رحیم پور از غدی دعوت نشدند

صفحه ۲

حرف اول

ایران با اروپا چه کند؟

حمیدرضا آصفی
سخنگوی پیشین وزارت خارجه



این روزها درباره اینکه نگاه اروپا به گسترش سازوکار مالی با ایران چگونه است، نکات مختلفی مطرح می شود. پیش تر بر این مسئله تأکید کرده ام که پس از خروج ترامپ از برجام، اروپایی ها در مقاطع مختلفی در گفت و گو با مذاکره کنندگان ایرانی مدعی شدند به خرید نفت و گاز ایران ادامه می دهند، امکان سرمایه گذاری در صنایع ایران را ایجاد می کنند و حمایت های بیمه ای برای فعالیت کشتی های ایران را قطع نخواهند کرد. از اروپا خواسته شده بود نبود آمریکا در برجام را به اندازه ای که می توانند، پوشش دهند؛ اما همه اینها به ساختاری به نام اینستکس ختم شده که چندان وضعیت آن برای طرفین روشن نیست و همین بخش کوچک هم در شرایطی مبهم قرار دارد. مسئولان اتحادیه اروپا اعلام کرده اند این سازوکار مالی فعلاً به دارو، غذا و موضوعات انسان دوستانه ختم شده؛ اما گسترش می یابد. هرچند با وجود گذشت دو ماه از این مسئله، هنوز هم وضعیت روشنی برای آن متصور نیست. به نظر می رسد اروپا در صدد انجام اقداماتی در قبال ایران و تحریم های آمریکاست. در عین حال باید اذعان کرد که موضوع گیری های مسئولان اروپایی درباره برخی از مسائل نگران کننده است، چراکه به مرور زمان، موارد مطرح شده می تواند این سازوکار را تحت تأثیر قرار دهد و آنچه مشخص است، ایران نباید انتظار زیادی از عملکرد اروپا داشته باشد. در برابر همکاری کردن یا همکاری نکردن با اروپا، دو دیدگاه وجود دارد؛ اینکه اروپا ظرفیت و اراده متضرر می کند دارد و دیدگاه دیگر مبتنی بر این موضوع بود که اروپا توان اجرای این کار را ندارد. به هر حال تا امروز جمهوری اسلامی هوشمندانه از برجام خارج نشده و بهانه ای به دست تیم تندروی کاخ سفید نداده است. در عین حال موضع مطالبه از اتحادیه اروپا را نیز حفظ کرده است. نگارنده معتقد است نباید ارتباط با اروپایی ها در بحث برجام را قطع کرد، بلکه باید کمی دیگر فرصت داد تا درباره سازوکار مالی در مقابل تحریم های آمریکا، اقدامات نهایی خود را انجام دهند. به هر حال اینکه سه کشور متولی اینستکس تا چه اندازه می توانند در کل اروپا و حتی خارج از این قاره، این سازوکار را گسترش دهند، موضوع مهمی است.

ادامه در صفحه ۲